فصلنامه حقوق اداری (علمی - پژوهشی)

سال پنجم، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۹۷

درآمدی بر ویژگی‌های مقررات اقتصادی خوب و کارامد در حقوق رقابت

مرتضی اصغرنیا[۱]؛ ولی رستمی[۲]

دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۳
پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۶

چکیده

تنظیم مقررات یا مقررات‌گذاری اقتصادی، در دو دهه اخیر به عنوان یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های دولت‌های حقوقی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در سطح جهان مورد شناسایی قرار گرفته است. این نوع از مقررات که در معنای خاص آن به منظور تسهیل رقابت و تنظیم یا منع انحصار در صنایع دارای انحصار طبیعی نظیر: صنعت برق و مخابرات (ارتباطات و فناوری اطلاعات)، حمل و نقل و ... تنظیم می‌گردد، لازم است تا به منظور اثربخشی در حوزه رقابت اقتصادی دارای وصف کارامدی باشند. مقررات اقتصادی کارامد در این معنا، می‌بایست دارای ویژگی‌های متعددی باشند که به تفصیل در این نوشتار بدان پرداخته شده است. بی‌گمان، توجه شایسته و به هنگام اشخاص ذی‌صلاح تنظیم‌کننده مقررات یا همان مقررات‌گذاران اقتصادی و به طور ویژه نهادهای رگولاتوری و تنظیم‌گر به کاربست و ملحوظ نظر قرار دادن این ویژگی‌های با اهمیت در تنظیم مقررات اقتصادی منجر به توسعه رقابت اقتصادی سالم و تسهیل فضای رقابتی در حوزه اقتصادی و نظام بازار خواهد شد. روش تحقیق مقاله حاضر، تلفیقی از روش‌های هنجاری و توصیفی- تحلیلی است و در بیان مطالب با بهره‌گیری از منابع موجود از شیوه کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

واژگان کلیدی: حقوق رقابت، تنظیم مقررات، مقررات اقتصادی کارامد، انحصار طبیعی، تسهیل رقابت.

۱ . دانشجوی دکتری حقوق عمومی پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛Asgharnia@ut.ac.ir
۲ . عضو هیأت علمی و دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران؛ Vrostami@ut.ac.ir

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2024-03-28]

مقدمه

حقوق رقابت به عنوان یکی از زیرشاخه‌های دانش حقوق عمومی دارای اهداف و کارکردهای منحصر به فردی، به ویژه در ارتباط با برقراری نظم عمومی بازار، افزایش کارایی و توسعه عدالت اقتصادی است (Whish and Bailey, 2012: 19) . حقوق رقابت در این معنا به دنبال حصول اطمینان از وجود رقابت منصفانه[1] در کسب و کارها می‌باشد.[2] رقابت اقتصادی[3] خود به عنوان یکی از مهم‌ترین انواع رقابت در جوامع انسانی، نیازمند وجود برخی شرایط برای بروز و ظهور در حوزه‌های مختلف اقتصادی می‌باشد. سیر تطور اندیشه حکمرانی و نیز تغییر میزان و حدود و ثغور مداخلات دولت‌ها[4] در نظام بازار و حوزه‌های اقتصادی نشان از بروز تغییرات گسترده در اهداف و تکالیف و کارکردهای دولت‌ها در یک‌صد سال گذشته به ویژه در دو دهه پایانی قرن بیستم میلادی دارد (Harris, 2007: 80-89)؛ به طوری که ظهور دولت‌های مقررات‌گذار در سال‌های پس از ۱۹۸۰ میلادی در اروپا و آمریکا سبب گردید تا دولت‌های حقوقی با رویکردی جدید در حوزه‌هایی نظیر: انرژی، ارتباطات و فناوری اطلاعات و برق و مخابرات ضمن تمرکززدایی و برون‌سپاری امور، از فعالیت‌های تصدی‌گری فاصله گرفته و با اهتمامی بیشتر به فعالیت‌های حاکمیتی بپردازند. (Crew M, Parker D. 2006: 1-4) از این رو است که در

1. Fair Competition

2 . www.dictionary.cambridge.org

۳. رقابت انگیزه‌ای لازم جهت انجام بهینه اعمال را فراهم می‌آورد. به طور ویژه از نیمه دوم قرن هجدهم با ظهور و قوام اندیشه‌های اقتصادی در قالب مکتب کلاسیک اهمیت رقابت در بهبود فضای کسب و کار به سود منافع عمومی بیش از پیش نمایان گردید. یک قرن بعد، بنیانگذاران مکتب نئوکلاسیک نیز، با زبان علمی‌تر و مستدل‌تری نقش بی‌بدیل رقابت را در ارتقای رفاه کل جامعه و استفاده کارامد از منابع آن به اثبات رسانده است. رقابت در حوزه‌های اقتصادی موجب خواهد شد تا فعالان عرصه تجارت برای حفظ بقای خود در بازار همواره در پی استفاده بهینه از منابع در دسترس خود باشند؛ یعنی از کمترین منابع بهترین تولید را در نازل‌ترین قیمت داشته و پیوسته در فکر ابداع و عرضه محصول جدید و پیشرفته‌تر باشند تا مشتری بیشتری را جلب کرده و نهایتاً فروش و سود افزون‌تری را نصیب خود گردانند. پیامد این فرایند علاوه بر آن که از یک سو، کنشگران ناکارآمد را که منابع جامعه را در نتیجه فعالیت خود هدر می‌دهند از کارزار بیرون خواهد راند، رفاه فعالان تجارتی کارامد را ارتقاء داده و از سوی دیگر نیز به افزایش رفاه و رضایت مندی مصرف‌کنندگان کالاها و محصولات تولید شده منجر خواهد شد. از آنجا که حاصل جمع رفاه تولیدکنندگان و رفاه مصرف‌کنندگان تشکیل دهنده رفاه کل جامعه می‌باشد؛ نتیجه نهایی رقابت در بازار ارتقای رفاه عمومی خواهد بود (غفاری فارسانی، ۱۳۹۳: ۸-۷). زیمر در کتاب خود با عنوان اهداف حقوق رقابت (The goals of competition law) ذیل مبحث بنیادهای هنجاری حقوق رقابت (Normative foundations of competition law)، رفاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان و به طور خاص مصرف‌کنندگان را مهم‌ترین هدف و عامل تنظیم و تدوین قواعد حقوق رقابت برشمرده است. (Zimmer, 2012: 3-4)

4. Government Intervention

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2024-03-28]

سال‌های اخیر با رشد و توسعه مفاهیم مربوط به حقوق رقابت[۱] و تنظیم مقررات اقتصادی[۲]، دولت‌ها توجه خاصی را به تسهیل رقابت و منع یا تنظیم انحصار، به عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف حاکمیتی کشورها در حوزه‌های اقتصادی به دلیل دارا بودن آثار مثبت گسترده بر وضعیت کارآیی و نیز بهبود فضای کسب و کار مبذول داشته‌اند.[۳]

تنظیم مقررات یا مقررات‌گذاری اقتصادی[۴] به مثابه اعمال اداری یک‌جانبه نوعی از ابزار اقتدار مشروع مورد استفاده دولت‌ها است که توسط اشخاص ذی‌صلاح حقوق عمومی انجام می‌پذیرد. تنظیم مقررات یا مقررات‌گذاری اقتصادی که در معنای عام خود طیف وسیعی از مقررات‌گذاری در حوزه بازارهای مالی و غیرمالی را شامل می‌گردد، در معنای خاص آن نوعی از مداخله دولت در عرصه اقتصاد به منظور تنظیم نظام بازارهای با ویژگی انحصار طبیعی[۵] و تسهیل رقابت در بازارهای مورد اشاره از طریق تنظیم مقررات بوده که به منظور اجرای سیاست‌ها و فرایندهای خط‌مشی‌ساز رقابتی به کار می‌رود و عملی است که دولت در آن اقدامات و فعالیت‌های خاصی را برای افراد و بنگاه‌های اقتصادی فعال در این بازارها مجاز و یا ممنوع می‌سازد و نحوه ورود و خروج به بازارهای با ویژگی انحصار طبیعی و نیز شرایط فعالیت در آنها را برای بنگاه‌های اقتصادی،[۶] مشخص و معین می‌نماید. این مقررات به طور معمول از طریق فرایند اداری مستمر[۷] و عموماً از طریق سازمان‌های اداری خاص نظیر: کمیسیون‌ها یا نهادهای حافظ رقابت و یا نهادهای مقررات‌گذار یا نهادهای تنظیم‌کننده مقررات‌بخشی (رگولاتوری)[۸] تنظیم می‌گردد. بی‌تردید، هر گونه تنظیم مقرارت و یا

---

1 . Competition Law

2 . Economic Regulation

۳. حقوق رقابت در این مفهوم، به معنای سازوکار نظارت بر بازار به منظور مواجهه با انواع شکست بازار و اعمال مجموعه‌ای از ممنوعیت‌های رفتاری در ارتباط با فعالان و بازیگران بازار می‌باشد.(Dunne, 2015: 14)

۴. معادل عبارت تنظیم مقررات یا مقررات‌گذاری اقتصادی در زبان انگلیسی عبارت "Economic Regulation" و معادل آن در زبان فرانسوی عبارت "Réglementation économique" می‌باشد.

5. Natural Monopoly

6. Economic Firms

7. Continuous

۸ . امروزه نهادهای تنظیم‌کننده مقررات‌بخشی دارای کارویژه‌ها، مزایا و اثرات مطلوب بسیاری در حوزه‌های اقتصادی و نظام بازار در کشورهای مختلف جهان می‌باشند. به طوری که در حال حاضر بسیاری از دولت‌ها در ارتباط با بازارهای گوناگون از وجود نهادهای تنظیم‌کننده مقررات‌بخشی در صنایع مختلف با ویژگی انحصار طبیعی، جهت ارائه کالا و خدمات مطلوب و با

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2024-03-28]

مقررات‌گذاری اقتصادی از سوی دولت‌ها به منظور کارامدی، نیازمند توجه به ملاحظات حقوقی و اقتصادی[1] بسیاری می‌باشد.

لذا فرضیه مقاله حاضر عبارت است از این‌که مقررات اقتصادی به منظور اتصاف به وصف کارامدی و اطلاق عبارت خوب بر آنها، باید دارای ویژگی‌های خاصی باشند تا در چارچوب یک نظام حقوق رقابت، منشأ اثرات مثبت بر وضعیت تسهیل رقابت و منع یا تنظیم انحصار باشند. از این رو، مقاله حاضر که با تلفیقی از روش‌های هنجاری و توصیفی–تحلیلی با گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای انجام گرفته، در پی پاسخگویی به این سؤال است که اساساً «مقررات اقتصادی کارامد، باید دارای چه ویژگی‌هایی به منظور اثربخشی در قالب یک نظام حقوق رقابت باشند؟»

پیش از ورود به مباحث اصلی مقاله، بیان این نکته ضروری است که عدم توفیق شورای رقابت و نهادهای تنظیم‌کننده مقررات‌بخشی (کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و هیأت تنظیم بازار برق وزارت نیرو) در سال‌های اخیر در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با تسهیل رقابت و منع و تنظیم انحصار در دو حوزه با اهمیت انرژی و ارتباطات و فناوری اطلاعات یعنی دو صنعت برق و مخابرات را می‌توان مهم‌ترین دلیل انجام پژوهش حاضر به شمار آورد؛ به طوری که عدم آگاهی و یا عدم توجه مناسب و اصولی نهادهای مورد اشاره به ویژگی‌های مقررات اقتصادی خوب و کارامد را می‌توان دلیل اصلی ناکارامدی مقررات اقتصادی تنظیمی و در نتیجه عدم بهبود وضعیت رقابت اقتصادی در این دو حوزه با اهمیت در سطح کشور به شمار آورد.

مقاله حاضر، در سه بخش تنظیم شده است: ابتدا در بخش نخست، تعاریف و کارکردهای مقررات اقتصادی و سپس در بخش دوم، ویژگی‌های مقررات اقتصادی مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته و در بند سوم و پایانی مقاله نیز، ویژگی‌های مقررات اقتصادی خوب و کارا به منظور به کارگیری در نظام‌های حقوقی تنظیم مقررات اقتصادی ارائه گردیده است.

کیفیت به شهروندان، حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران و انتظام هر چه مطلوب‌تر نحوه تعاملات بازیگران بازارهای مورد نظر، بهره می‌برند. (اصغرنیا و باقری، ۱۳۹۲: ۵۵)

1. Legal and Economical Considerations

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2024-03-28]

تعاریف و کارکردهای مقررات اقتصادی

امروزه مراد از تنظیم مقررات اقتصادی، مجموعه‌ای از دستورات (بایدها و نبایدها) لازم‌الاجراء و اقدامات اثرگذار و آگاهانه دولت است که به وسیله آن، دولت در حوزه اقتصاد مداخله می‌کند تا رفتار بازیگران بازارهای مورد نظر را کنترل و تنظیم نماید. در این مفهوم، دولت‌ها همواره بازارها را تمشیت و تنظیم می‌نمایند (هداوند، ۱۳۸۶: ۴۹). نقش مکملی و نه جانشینی دولت برای بازار و تلاش برای رفع نارسایی‌های نظام بازار خواه به دلیل وجود انحصار، عدم تأمین مطلوب کالاهای عمومی، عوارض بیرونی و یا اطلاعات ناقص یا نامتقارن بر نقش و اهمیت مداخله ضابطه‌مند و منطبق بر اصول و قواعد از پیش تعیین شده دولت می‌افزاید. از این رو، آن گاه که اقتصاد مبتنی بر بازار، در تخصیص منابع به نحو احسن و بهینه عمل ننماید، حضور دولت برای تنظیم بازار و تسهیل رقابت و منع انحصار امری ضروری می نماید.

امروزه این امر یک اصل مسلم است که تعامل آزاد عوامل بازار همیشه نتیجه مطلوب را در تخصیص کارامد و یا ناعادلامه منابع به بار نمی‌آورد. اقتصاد بازار قاصر از آن است که به خودی خود انحصار، نابرابری اطلاعات و عوارض جانبی ناشی از فعالیت‌های اقتصاد بازار را چاره‌ساز باشد. ابزارهای حقوق خصوصی نیز در اصلاح وضعیت بازار ناکام هستند. از این رو، دولت باید به روش‌های دیگری جهت کنترل و هدایت بازار دست یابد (باقری، ۱۳۸۵: ۴۲). تا به امروز، نظریات بسیاری در حوزه تنظیم مقررات به منظور توجیه ضرورت نیاز به تنظیم مقررات یا مقررات‌گذاری ارائه گردیده است. از این رو است که دسته‌بندی‌های مختلف و متعددی در ارتباط با بنیان‌های نظری تنظیم مقررات توسط صاحب‌نظران حوزه حقوق و اقتصاد قابل ملاحظه و بررسی می‌باشد. توجه به این نکته ضروری است که اساساً نظریه‌های تنظیم مقررات، به بحث و بررسی در ارتباط با علل ظهور مقررات یا همان تنظیم مقررات و مقررات‌گذاری و نیز نقش و وضعیت فعالان بازار و کنشگران آن حوزه اعم از عمومی و خصوصی می‌پردازد. نظریه‌های منافع عمومی تنظیم مقررات، نظریه‌های منافع خصوصی تنظیم مقررات و نظریه‌های نهادگرایانه تنظیم مقررات به عنوان مهم‌ترین نظریه‌های قابل اشاره در این زمینه می‌باشند. (Bronwen and Karen, 2007: 16)

تنظیم مقررات اقتصادی که به طور کلی در جهت تنظیم امور بازارهای با ویژگی انحصار طبیعی و ناظر بر جنبه نظارتی دولت بر نظم عمومی جامعه و بازار می‌باشد، اساساً از سال‌های پایانی قرن

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2024-03-28]

بیستم میلادی و با طرح مباحث آزادسازی،[۱] تجدیدساختار[۲] و خصوصی‌سازی[۳] در بسیاری از کشورهای جهان نظیر: انگلستان و آمریکا اهمیت ممتاز و دوچندانی یافته است. با این حال باید به این نکته توجه داشت که اقدامات لازم به منظور تجدیدساختار صنایع، آزادسازی، مقررات‌زدایی و تنظیم مقررات در حوزه بازار در هر کشوری با توجه به شرایط و اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن به انحای مختلف انجام می‌پذیرد.

امروزه تنظیم مقررات یا مقررات‌گذاری[۴] یکی از روش‌های مهم و مؤثر در اداره و تنظیم امور عمومی است که دولت‌ها در معنای خاص کلمه (قوه مجریه) در چارچوب تعیین شده از سوی مجالس قانون‌گذاری در نظام‌های حقوقی گوناگون جهان معاصر، به کار می‌گیرند. به دیگر سخن مقررات‌گذاری، در واقع نوعی صلاحیت قاعده‌سازی و هدایت رفتار اعضای جامعه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در حدود مقرر در قانون و در راستای سیاست‌های کلی تعیین شده در یک نظام حقوقی، به قوه مجریه داده شده است تا با توجه به واقعیات عینی جامعه و نیازها و معضلاتی که دستگاه‌های اجرایی از نزدیک با آنها آشنا و در تماس مستقیم هستند، اقدام به تنظیم و اجرای مقررات لازم در خصوص الزام یا تجویز، کنترل، نظارت و هدایت و نیز منع یا تعطیل انواع فعالیت‌های اعضای جامعه در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی و اجتماعی نماید و از این طریق، به سوی حکمرانی مطلوب حرکت کند. (گروه مترجمان زیر نظر باقر انصاری، ۱۳۹۲: ۳)

دیوید اوزبرن و تد گلبر در کتاب خویش تحت عنوان «بازآفرینی دولت»[۵] به درستی به این نکته اشاره نموده‌اند که «وظیفه دولت سکان‌داری است، نه پارو زدن. تأمین خدمات مثل پارو زدن است و دولت در پارو زدن چندان ماهر نیست و لازم است از طریق بازتعریف حاکمیت و تفکیک سکان‌داری

1. Liberalisation
2. Restructure
3. Privatization

۴. تنظیم مقررات یا مقررات‌گذاری اساساً مفهومی حقوقی، سیاسی و اقتصادی است. بحث از مقررات‌گذاری در حوزه حقوق عمومی اقتصادی قرار می‌گیرد. بر اساس این رویکرد، حقوق اقتصادی جزئی از حقوق عمومی است. حقوق عمومی اقتصادی به معنای قواعد، اصول، حوزه‌ها و ابزار مداخله دولت در اقتصاد است. در این حوزه، پرسش اصلی این است که دولت چرا، چگونه و در چه حوزه‌هایی می‌تواند یا باید در فعالیت‌های اقتصادی مداخله کند و موارد این مداخله را کدام قاعده حقوق اساسی تعریف می‌کند؟! (یادی پور، ۱۳۸۹: ۳۸-۳۷)

5. Reinventing Government

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2024-03-28]

از پاروزنی به توان‌افزایی به جای خدمت‌رسانی و تزریق عنصر رقابت به خدمت‌رسانی با استفاده از مشوق‌ها به جای فرمان‌دادن به حکمرانی بپردازد و شرایط لازم برای پارو زدن را فراهم آورد». (اوزبرن و تد، ۱۳۸۴: ۴۵، ۶۹، ۹۵ و ۳۲۴)

با این تفاصیل، توجه به این نکته دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشدکه فرایند حکمرانی در دهه‌های اخیر تحولات چشمگیری داشته است. از جملهٔ این تحولات می‌توان به تحول شیوهٔ حکمرانی از طریق مداخله و تصدی در همهٔ امور عمومی توسط دولت، به حکمرانی تنظیمی[1] و اداره امور عمومی از طریق کنترل و تنظیم مدبرانه امور به جای مداخلهٔ مستقیم دولتی اشاره کرد. بر مبنای این الگوی حکمرانی، مداخله مستقیم دولتی و مقررات‌گذاری افراطی دیگر با اقتضائات امروز جوامع همخوانی ندارد و لازم است دولت اولاً در ماهیت و محدودهٔ وظایف خود تجدید نظر کند و از تصدی‌گری و اتخاذ رویکرد سختگیرانهٔ «دستور و کنترل» به سمت اعتماد بیشتر به بخش‌های غیرحکومتی و فضاسازی برای مشارکت مؤثر آنها در ادارهٔ امور عمومی حرکت کند. دوم اینکه چنانچه مداخله و مقررات‌گذاری دولتی نیز ضروری باشد، باید با تأمل و بررسی‌های بیشتری نسبت به آثار و تبعات اقدامات الزام‌آور خود بر بخش‌های مختلف جامعه اقدام به مقررات‌گذاری کند. از آنجا که یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها مقررات‌گذاری و تنظیم امور عمومی است، کنترل و تعدیل آثار این تدابیر الزام‌آور به یکی از محورهای اصلی در برنامه اصلاح نظام مقررات‌گذاری و حرکت به سوی حکمرانی تنظیمی تبدیل شده است؛ چرا که گاه ممکن است مقررات‌گذاری دولتی نه تنها آثار مطلوبی نداشته باشد، بلکه آثار منفی ناخواسته‌ای نیز در بخش‌های مختلف جامعه بر جای گذارد. بدین جهت لازم است هر گونه اقدام به مقررات‌گذاری با بررسی‌ها و ارزیابی‌های اولیه متناسبی دربارهٔ آثار و پیامدهای مقررات[2] صورت بگیرد. (گروه مترجمان زیر نظر دکتر باقر انصاری، ۱۳۹۲: ۱۱)

1. Regulatory Governance

۲. ارزیابی آثار مقررات‌گذاری (Regulatory Impact Assessment) یکی از ابزارهای حکمرانی تنظیمی است که به عنوان بخشی از برنامه اصلاح نظام مقررات‌گذاری و حرکت به سمت حکمرانی خوب به کار می‌رود. این روش ارزیابی در چهار دههٔ اخیر مورد توجه نظام‌های حقوقی پیشرفته شده و به تدریج در نظام‌های حقوقی کشورهای در حال توسعه نیز رواج یافته است. بر مبنای این روش ارزیابی، دولت باید پیش از هر گونه اقدام به مقررات‌گذاری و تنظیم امور عمومی، بررسی‌های دقیقی ار در مورد آثار مداخله خود انجام دهد و تضمین کند که آثار نامطلوبی بر بخش‌های مختلف جامعه در پی نخواهد داشت. به این ترتیب اجرای این ارزیابی در مورد آثار مختلف مقررات، عامل مهمی در ارتقای کارامدی نظام مقررات‌گذاری، تصویب مقررات مطلوب و حرکت به سوی مقررات‌گذاری بهتر خواهد بود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2024-03-28]

ویژگی های مقررات اقتصادی

اساساً تمامی مقررات اقتصادی تنظیمی از سوی دولت، دارای ویژگی‌های ذیل می‌باشد:

تنظیم مقررات اقتصادی به عنوان نوعی از مداخله دولت در روابط اشخاص و جامعه دربردارنده بایدها و نبایدهای مداخله‌گرایانه دولت در حیات اجتماعی شهروندان می باشد. لذا هر مقرره یا مقررات اقتصادی متضمن رفتار یا اقدام مداخله‌گر دولت می‌باشد. باید توجه داشت که اگرچه دولت‌ها به منظور برقراری نظم عمومی[۱] و تأمین برخی نیازها و تنظیم رفتار اشخاص ناگزیر از تنظیم مقررات و مقررات‌گذاری و مداخله در روابط اشخاص حقیقی و حقوقی در سطح جامعه می باشد؛ اما لازم است تا حد امکان نسبت به مداخله ضروری و مورد نیاز اقدام نموده و از مداخله غیرضروری[۲] و زائد در روابط خصوصی اقتصادی اشخاص اجتناب نمایند.

از این رو، لازم است که همواره مداخله دولت‌ها از طریق تنظیم مقررات یا مقررات‌گذاری اقتصادی، با توجه ویژه به حقوق و آزادی‌های شهروندان[۳] و نیز مهم‌ترین اصول حقوق عمومی[۴] (گرجی ازندریانی، ۱۳۹۰: ۲۲۰–۲۰۸)؛ نظیر: اصل نظم عمومی، منفعت عمومی، اصل تداوم، اصل امنیت، اصل اقتدار، اصل خدمات عمومی، اصل تضمین احترام به قلمرو صلاحیت‌ها، اصل حاکمیت قانون، اصل مسئولیت، اصل رعایت حقوق و آزادی‌های همگانی انجام پذیرد.[۵]

1. Public Order
2. Unnecessary Intervention
3. Citizens Rights and Liberties
4. Principles of Public Law

۵ . گذار از قرن ۱۹ به قرن ۲۰ میلادی تحوّلی عمده را در دنیای حقوق نشان می‌دهد که می‌توان از آن تحت عنوان «اجتماعی شدن حقوق» یا حرکت از حقوق فردی به حقوق اجتماعی یاد کرد. تحوّلی که آثار آن هنوز باقی است. حرکت به سمت هدف اجتماعی حقوق، تغییراتی را در برخی از مفاهیم اساسی حقوق ایجاد می‌کند. بی‌تردید دیگر نمی‌توان از حق آزادی قراردادی یا مالکیت خصوصی به صورت مطلق سخن گفت. می‌توان ادعا کرد که حرکت به سمت حقوق اجتماعی به عنوان هدف حقوق، موقعیت رابطه میان حقوق عمومی و حقوق خصوصی را تغییر داده و این اوّلین تأثیر بارز این تحوّل در نظام حقوقی است واقعیت این است که این تحوّل، موقعیت نظام حقوقی را بیشتر به نفع حقوق عمومی تغییر داده است. در حقیقت، اجتماعی شدن حقوق، مداخله دولت را هم به صورت مستقیم و هم از طریق قواعد آمره حمایتی، توجیه می‌کند. بی‌تردید، ضرورت مداخله دولت ناشی از خلأها و ناتوانی‌های حقوق خصوصی مبتنی بر عقلانیت لیبرال و نهادهای آن مانند قرارداد، مالکیت و ... در تحقّق عدالت و مقتضیات آن است. (شهابی، ۱۳۹۰: ۲۶۷–۲۶۰)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2024-03-28]

تنظیم مقررات یا مقررات‌گذاری اقتصادی دربردارنده برخی هزینه‌ها[۱] و برخی منافع[۲] برای دولت‌ها می‌باشد. لذا هر یک از مقررات اقتصادی، دارای هزینه‌ها و منافع خاصی برای جامعه و شهروندان آن می‌باشد. بدیهی است مقررات اقتصادی خوب دارای کمترین هزینه و بیشترین منافع برای جامعه و شهروندان آن می‌باشد. انجام اقدامات کارشناسی لازم در فرایند تنظیم مقررات یا مقررات‌گذاری اقتصادی و ایجاد توازن[۳] میان منافع عمومی و خصوصی و کاستن هر چه بیشتر هزینه‌های مقررات تنظیمی از یک سو و افزایش منافع قابل حصول برای جامعه و شهروندان از دیگر سو، توجه ویژه به مقوله تنظیم مقررات یا مقررات‌گذاری اقتصادی را از سوی اشخاص و نهادهای تنظیم‌کننده مقررات یا مقررات‌گذار طلب می‌نماید.

تنظیم مقررات یا مقررات‌گذاری اقتصادی، ابزاری حقوقی[۴] در اختیار قوه مجریه و نوعی اعمال یک‌جانبه اداری ناشی از قدرت عمومی[۵] است. لذا مقررات اقتصادی نوعی اعمال حقوقی[۶] یک‌جانبه اداری است که از سوی دولت تنظیم می‌گردد. لازم به ذکر است که در حقوق عمومی، اعمال حقوقی عموماً یک‌جانبه هستند؛ در حالی که در حقوق خصوصی، اعمال حقوقی عموماً چند جانبه هستند. در حقوق عمومی، اعمال حقوقی بدین سبب یک جانبه هستند که مأمورین عمومی، به نمایندگی از سوی قدرت حکومت می‌توانند فقط با اراده منحصر خویش آثار حقوقی ایجاد نمایند. قدرت عمومی یا به تعبیر دیگر، قدرت سیاسی موجود در جامعه سیاسی جهت حفظ حاکمیت و اقتدار خود در جامعه از یکسری امتیازات برخوردار است که از آن به امتیازات ناشی از قدرت حاکمه یا عمل حاکم یاد می‌شود. فلسفه اعطای چنین امتیازاتی، لازمه اجرای دو هدف اداره درحقوق اداری است؛ یکی حفظ نظم عمومی و دیگری تأمین نیازها و خدمات عادی، روزانه و تکراری که در اصطلاح اولی دولت و سازمان‌های اداری در قالب پلیس اداری و دومی در قالب خدمات عمومی انجام وظیفه می‌کنند؛ چرا که حقوق عمومی از نظر ماهوی برخلاف حقوق خصوصی که در آن هدف، تأمین منافع خصوصی

1. Costs
2. Benefits
3. Balance
4. Legal Instrument
5. Public Power

۶. به عقیده دوگی فرانسوی، هرگونه تظاهرات خارجی اراده را که با قصد همراه بوده و تغییر نظم حقوقی اجتماع را به دنبال داشته باشد «عمل حقوقی» گویند. (دوگی، ۱۳۹۳: ۶۲)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2024-03-28]

است، حافظ منافع و مصالح عمومی است و همین اختلاف سبب شده است که این شاخه از علم حقوق، دارای نظام ویژه ای مشتمل بر احکام و قواعد ویژه‌ای باشد که لازمه انجام وظایف اداری است. این نظام و قواعد ویژه در بسیاری از اعمال قدرت عمومی علی‌الخصوص قدرت اداری و اجرایی وجود دارد که از جمله آن، امتیاز قدرت عمومی در اتخاذ اعمال یک‌جانبه اداری است. از این رو است که در اعمال اداری[۱] دولت یا قدرت عمومی اصل بر ایقاعات اداری است و قراردادهای اداری حالت استثناء بر اصل دارند. از این رو است که باید تنظیم مقررات یا مقررات‌گذاری اقتصادی را نوعی از اعمال یک‌جانبه اداری و ابزاری حقوقی در اختیار قوه مجریه یا دولت دانست.

مقررات اقتصادی تنظیمی از سوی دولت‌ها اساساً به کنترل و نظارت[۲] توسط مقام عالی اشاره داشته و دارای کارکردی دستوری و یا رهنمودی است.

مقررات اقتصادی تنظیمی از سوی دولت‌ها جزء قوانین آمره[۳] و عمومی هستند، بدین معنا که از یک سو، توسط توافقات و قراردادهای بخش خصوصی قابل تغییر نیستند و از دیگر سو، این مقررات تنها توسط دولت یا اشخاص و نهادهای مأذون از سوی او به دولت قابلیت اصلاح و تغییر را دارند.

تنظیم مقررات اقتصادی در راستای تأمین نظم عمومی و نظم بازارهای با ویژگی انحصار طبیعی و تسهیل شرایط رقابت در این بازارها و کنترل، تنظیم و منع انحصار و تأمین منافع و مصالح عمومی به ویژه منافع شهروندان به عنوان مصرف‌کنندگان نهایی کالاها و خدمات انجام می‌پذیرد.

(Nihoul P, Charbit N, Ramundo E, 2016: 153)

لذا چنانکه بیان گردید، تمامی مقررات اقتصادی تنظیمی از سوی دولت‌ها برای اطلاق مقررات اقتصادی خوب به آن‌ها، دارای شش ویژگی حداقلی مورد اشاره در این بند می‌باشند. با این حال، مقررات تنظیمی از سوی دولت‌ها لازم است تا به منظور اثربخشی و کارایی دارای ویژگی‌های دیگری باشند تا شایسته اطلاق مقررات خوب و کارامد شوند. این ویژگی‌های با اهمیت در بند سوم مقاله حاضر بیان خواهد گردید.

---

۱. « اعمال اداری» عبارت است از اعمال قوه مجریه به استثنای آنچه به روابط قوه مزبور با سایر قوای حاکمه و نیز روابط او با دول خارج (روابط دیپلماتیک) مربوط می‌شود و فقط این اعمال است که موضوع حقوق اداری را تشکیل می‌دهد. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۰: ۵)

2. Control and Supervision
3. Imperative Acts

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2024-03-28]

توجه به این نکته بسیار ضروری است که مسائل مطرح در حقوق عمومی به دلیل دارا بودن ارتباط مستقیم با نظم عمومی و منافع عمومی همواره نیازمند توجه ویژه می‌باشند. وضع قوانین و تنظیم مقررات، به عنوان ابزار اصلی در اختیار قوای مقننه و مجریه، اساساً به منظور تنظیم روابط میان اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی دربردارنده آثار مثبت و منفی بسیاری بر وضعیت اشخاص مذکور می‌باشد. هر دوی این موارد با برخورداری از ضمانت اجراهای لازم قانونی به دنبال تنظیم روابط بین افراد به نحو احسن و دستیابی هر چه بهتر به اهداف تقنینی و تنظیمی مدنظر می‌باشند. از این رو، با توجه به اهمیت زیاد قوانین و مقرارت موضوعه در نظام حقوقی کشورهای رومی- ژرمنی توجه به اصول شکلی و ماهوی در تهیه، تنظیم، تدوین و تصویب قوانین و مقررات از سوی مجالس قانون‌گذاری یا پارلمان‌ها و اشخاص و نهادهای تنظیم‌کننده مقررات یا مقرات‌گذار امری لازم و ضروری است.

با این تفاصیل، باید همواره به این نکته توجه داشت که وضع قوانین و تنظیم مقررات در هر زمان و در هر مکان دارای مقتضیات و ملاحظات خاصی است که مستلزم توجه از سوی سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، تصمیم‌سازان، قانون‌گذاران و اشخاص ذی‌صلاح تنظیم‌کننده مقررات یا مقررات‌گذار می‌باشد. بدیهی است عدم توجه به شرایط و مقتضیات مکانی و زمانی و غفلت از توجه مناسب به عوامل محیطی مؤثر بر اجرای قوانین و مقررات، می‌تواند به نحو مؤثری بر میزان کارایی و وضعیت اجرای قوانین و مقررات اثرگذار باشد. لذا در صورتی که هر یک از قوانین و مقررات موضوعه، نتواند به اهداف از پیش تعیین شده خویش نائل گردد، لازم است تا با بررسی علل عدم حصول نتایج قابل پیش‌بینی و مورد انتظار، عوامل مؤثر بر عدم اجرا و یا عدم اجرای مناسب قوانین و مقررات به خوبی مورد بررسی قرار گیرد و با سازوکارهای قانونی موجود از طریق آسیب‌شناسی حقوقی، راه‌حل مناسبی به منظور برون‌رفت از وضعیت ظهور یافته اندیشیده شود.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد؛ ویژگی‌ها و الزامات

بیش از یک‌صد سال است که قانون‌گذاری توسط پارلمان‌ها و مجالس قانون‌گذاری انجام می‌پذیرد. تنظیم مقررات یا مقررات‌گذاری نیز چنان که بیان گردید از زمان ظهور دولت‌ها در انواع و اشکال مختلف انجام پذیرفته است. با این حال در طول دو دهه اخیر توجه خاص به مقوله تنظیم مقررات و

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2024-03-28]

ظهور دولت‌های مقررات‌گذار یا تنظیم‌گر، سبب گردیده است تا با توسعه روزافزون فرهنگ مقررات‌گذاری به واسطه آگاهی حاصل شده از نقش و اهمیت و اثرات مثبت تنظیم مقررات از سوی دولت‌ها، شاهد الگوهای جدیدی از تنظیم مقرارت یا مقررات‌گذاری باشیم. بدیهی است که مقررات تنظیمی از سوی دولت‌ها به منظور اثربخشی و کارایی نیازمند آنند که دارای ویژگی‌های خاصی باشند.[۱]

لازم به ذکر است که با توجه به نقش و اهمیت قوانین مصوب مجالس قانون‌گذاری به نحو مبسوط در قالب برخی کتاب‌ها و مقالات به ویژگی‌های قوانین و بایدهای قانون‌گذاری پرداخته شده است و اساساً به مقوله ویژگی‌های مقررات خوب و کارامد پرداخته نشده است. به طور نمونه، راسخ در کتاب خویش تحت عنوان بنیاد نظری اصلاح نظام قانون‌گذاری، ویژگی‌های قانون را به دو نوع ذاتی و عرضی قابل تقسیم دانسته است. از نظر وی منظور از ویژگی‌های ذاتی قانون، آن دسته از وجوه ممیز و عناصر مقوم است که بدون وجود آنها اساساً قانون تشکیل نمی‌شود. اگر قاعده‌ای ویژگی‌های «حداقلی» و یا «کارکردگرا»یی نظیر: الزام‌آور بودن، عام بودن، امری بودن، علنی بودن، واضح بودن، معطوف به آینده بودن، مفید قطعیت بودن، مصوب مرجع ذی‌صلاح بودن را دارا نباشد، از موقعیت یک قانون برخوردار نخواهد شد. از دیدگاه راسخ منظور از ویژگی‌های عرضی قانون نیز، آن دسته از ویژگی‌هایی نظیر: پاسخگوی نیازهای جامعه، منعکس‌کننده نظر اکثریت، تأمین‌کننده منفعت عموم، منطبق با اخلاق، معطوف به عدالت، اجرا و اعمال مستمر، کارامد، انجام شدنی، پیشرو است که اگر قاعده‌ای فاقد آن‌ها باشد، با این حال، شاید هنوز بتوان آن را یک قانون نامید. از آن جا که این نوع صفات برآمده از یک تئوری خاص حقوقی هستند و در حوزه‌های انعطاف‌پذیر فهرست ویژگی‌ها قرار دارند، آن‌ها را می‌توان عرضی نامید. از این رو، شاید بتوان این موارد را حداکثری یا ایدئولوژیک نیز نامید. به عقیده راسخ، بسته به نوع تئوری‌ای که در باب چیستی، هدف و فلسفه و

۱. چنان که وصف خوب برای عبارت حکمرانی نشان‌دهنده لزوم وجود ویژگی‌هایی بنیادین در نهاد حاکمیت به منظور رسیدن مطلوب‌تر و بهتر به هدف حکمرانی است، وصف خوب برای عبارت مقررات اقتصادی نیز به معنای لزوم وجود ویژگی‌هایی اساسی و بنیادین در مقررات تنظیمی در جهت دستیابی به اهداف تنظیمی دولت در حوزه اقتصادی و به طور ویژه تسهیل رقابت و منع انحصار می‌باشد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2024-03-28]

مبنای قانون پیش نهاده می‌شود، فهرست ویژگی‌های قانون کوتاه یا بلند می‌گردد و در نتیجه فهرست ویژگی‌های قانون یک فهرست باز و انعطاف‌پذیر است. (راسخ، ۱۳۸۴: ۲۸-۲۷)

به نظر نگارندگان مقاله حاضر، با توجه به اهداف حقوق رقابت و نیز کارکرد اصلی نهادهای حافظ رقابت و نیز نهادهای تنظیم‌گر یا رگولاتوری، ضروری است تا تمامی مقررات اقتصادی تنظیمی به منظور اثربخشی و کارایی لازم، دارای ویژگی‌هایی خاص باشند. توجه به این نکته ضروری است که موارد مورد اشاره در این بخش، دارای وصف هنجاری و بایدانگارانه می‌باشد. از این رو، در ادامه به مهم‌ترین ویژگی مقررات اقتصادی خوب و کارا اشاره می‌گردد:

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید در راستای اهداف اصلی تنظیم مقررات اقتصادی یعنی تسهیل رقابت و منع انحصار و افزایش کارایی تنظیم گردند.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید متضمن رفتار یا اقدام مداخله‌گر مؤثر و کارای دولت باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید تحقق هر چه مطلوب‌تر نظم عمومی بازار و جامعه و نیز اطمینان از تأمین نیازهای شهروندان در قالب یک نظام اقتصادی رقابتی با کمترین قیمت و بیشترین کیفیت ممکن به منظور افزایش سطح مطلوبیت و رفاه شهروندان مدنظر قرار دهد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید تا حد امکان مرتبط با مداخله ضروری و مورد نیاز بوده و فاقد مداخله غیرضروری و زائد در روابط خصوصی اشخاص باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید متضمن رعایت مهم‌ترین اصول حقوق عمومی نظیر: اصل نظم عمومی، منفعت عمومی، اصل تداوم، اصل امنیت، اصل اقتدار، اصل خدمات عمومی، اصل تضمین احترام به قلمرو صلاحیت‌ها، اصل حاکمیت قانون، اصل مسئولیت، اصل رعایت حقوق و آزادی‌های عمومی باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید دربردانده کمترین هزینه و بیشترین فایده و منافع ممکن‌الحصول برای عموم شهروندان و جامعه باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، لازم است بایدها و نبایدهای فعالیت‌ها و اقدامات قابل اعمال را در حوزه بازارهای انحصار طبیعی برای بازیگران این بازارها، به خوبی ترسیم نماید.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2024-03-28]

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید هماهنگ و مطابق با سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین و مقررات بالادستی نظیر: قانون اساسی، قوانین عادی، سیاست‌های کلی و برنامه‌های توسعه در هر کشور باشد و با دیگر مقررات اقتصادی تنظیمی سابق هیچ گونه مغایرت و ضدیتی نداشته باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید در راستای تأمین نظم عمومی، منافع عمومی و نیز مصالح عمومی تنظیم گردد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید نظام‌مند و هدفمند باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید جامع و کل‌نگر باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید با توجه به ملاحظات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و با اصل قرار دادن نظم عمومی بازار و عدالت اقتصادی و اجتماعی تنظیم گردد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید با توجه به واقعیات موجود در هر بازار و وضعیت انحصار و رقابت در آن تنظیم گردد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید به دور از تعصبات و گرایش‌های حزبی، گروهی و سیاسی بوده و صرفاً با توجه به تکالیف قانونی و اهداف مدنظر از تنظیم مقررات اقتصادی تنظیم گردیده باشند.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید واقع‌گرایانه و با توجه به شرایط زمانی و مکانی حاکم بر هر جامعه و با توجه به ویژگی‌های بومی و ملی هر جامعه و با استفاده و بهره‌گیری از تجربیات موفق بین‌المللی تنظیم گردد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید آینده‌نگر بوده و مبتنی بر دیدگاهی بلندمدت از رخدادهای محتمل‌الوقوع در بازارهای دارای ویژگی انحصار طبیعی و نیز رفتارها و اقدامات بازیگران بازار باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید نوآورانه و مبتکرانه باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید عام‌الشمول و فراگیر باشد و در مورد همه اشخاص به شکل یکسان اعمال گردد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید ناظر بر اهداف راهبردی باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید جامع و کل‌نگر باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید با مشاوره مناسب و مؤثر با گروه‌های ذی‌نفع تنظیم گردد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2024-03-28]

در مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید میان هزینه‌ها و فایده‌های تنظیم مقررات تناسب و توازن برقرار باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید روشن و شفاف باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید قابل پیش‌بینی باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید پاسخگوی نیازها باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید بر اساس تخصص، الگو، اتکای بر تجارب عملی و نظری ملی و بین‌المللی باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید شفاف، غیرتبعیض‌آمیز و قابل اجرا باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید بنیاد قانونی مستحکمی داشته باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید از طریق مشوق‌های بازار و رهیافت‌های مبتنی بر هدف، بر ابتکار و نوآوری بیفزاید.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید در حد امکان با اصول تسهیل‌کننده رقابت، تجارت و سرمایه‌گذاری در عرصه داخلی و بین‌المللی سازگار باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید در جهت حفظ و تأمین منفعت عمومی باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید با رعایت اصول عقلانی باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید متناسب با ابزارها و منابع باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید سازگار با کلیت نظام حقوقی تنظیم مقررات اقتصادی باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید در فرایندی دموکراتیک و به صورت علنی تنظیم شده باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید روشن، صریح شفاف و بدون ابهام باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید جامع و کامل باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد،باید با وضعیت نظام اقتصادی و ساختار نظام بازار دارای انحصار طبیعی مورد نظر، هماهنگ باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید ناشی از یک نیاز در حوزه رقابت اقتصادی باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید حوزه سیاست و اخلاق و موارد غیر، مرتبط نشود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2024-03-28]

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید برای تأمین منافع همگان و نه یک شخص یا اشخاص خاص باشد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد، باید بر اساس اصل موجزنویسی تنظیم گردد.

مقررات اقتصادی خوب و کارامد باید همواره اصول حقوقی را مدنظر قرار داده و آن‌ها را رعایت کند.

همچنین در تنظیم مقررات اقتصادی خوب و کارا، باید از تنظیم مقررات مبهم یا مجمل، تنظیم مقررات تکراری یا متعارض، تنظیم مقررات غیرقابل اجراء، مثل آوردن‌های بی‌مورد، به کار بردن زمان آینده به جای حال، پیچیده‌نویسی، فعل‌سازی نادرست، آوردن حشو، حذف ارکان اصلی جمله، پرهیز از حذف بدون قرینه، زیاده‌گویی، حصر و احصای نادرست، ذکرکلمات مبهم و دوپهلو، ذکر تعاریف غیرلازم، ماده‌پردازی بی‌مورد، وضع ماده تکراری و غیرضروری، عامیانه‌نویسی، ذکر مترادفات، استفاده نکردن از پرانتز در متن قانون و تخصیص اکثر احتراز و پرهیز گردد و به کارگیری درست اصطلاحات، حریم معنایی مواد قانون، رسم‌الخط واحد و نیز التفات به اصول استنباطی و تفسیری رعایت گردد. (بیگ‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۷۲–۱۰۵)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در مقاله حاضر تلاش گردید تا ضمن ارائه ویژگی‌های مقررات اقتصادی، با بیان ویژگی‌های مقررات اقتصادی خوب و کارامد برای این پرسش، پاسخ مناسبی ارائه گردد که اساساً، «مقررات اقتصادی کارامد باید دارای چه ویژگی هایی به منظور اثربخشی در قالب یک نظام حقوق رقابت باشند؟!»

چنان که بیان گردید، حقوق رقابت به عنوان یکی از زیرشاخه‌های دانش حقوق عمومی دارای اهداف و کارکردهای منحصر به فردی، به ویژه در ارتباط با برقراری نظم عمومی بازار، افزایش سطح کارایی و برقراری توسعه عدالت اقتصادی در جامعه است. بیش از یک‌صد سال است که قانون‌گذاری توسط پارلمان‌ها و مجالس قانون‌گذاری انجام می‌پذیرد. تنظیم مقررات یا مقررات‌گذاری نیز از زمان ظهور دولت‌ها در انواع و اشکال مختلف انجام پذیرفته است. با این حال در طول دو دهه اخیر توجه خاص به مقوله تنظیم مقررات و ظهور دولت‌های مقررات‌گذار یا تنظیم‌گر، سبب گردیده است تا با توسعه روزافزون فرهنگ مقررات‌گذاری به واسطه آگاهی حاصل شده از نقش و جایگاه، میزان

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2024-03-28]

اهمیت و نیز اثرات مثبت تنظیم مقررات از سوی دولت‌ها، شاهد الگوهای جدیدی از تنظیم مقرارت یا مقررات‌گذاری باشیم. در الگوهای جدید و در حوزه تنظیم مقررات اقتصادی، عمدتاً تنظیم مقررات از سوی نهادهای تنظیم‌کننده مقررات‌بخشی و یا نهادهای تنظیم‌کننده مقررات فرابخشی صورت می‌گیرد. کارکرد این گونه نهادهای تنظیم‌گر در بازارهای غیرمالی، اساساً تسهیل رقابت و منع و یا تنظیم انحصار می‌باشد. لذا توجه شایسته و به هنگام اشخاص ذی‌صلاح تنظیم‌کننده مقررات یا همان مقررات‌گذاران اقتصادی و به طور ویژه نهادهای رگولاتوری و تنظیم‌گر به کاربست و ملحوظ نظر قرار دادن ویژگی‌های مذکور در مقاله حاضر در تنظیم مقررات اقتصادی منجر به توسعه رقابت اقتصادی سالم و تسهیل فضای رقابتی در حوزه اقتصادی و نظام بازار خواهد شد. از این رو، توجه ویژه و رعایت ویژگی‌های لازم‌الرعایه مورد اشاره در بخش پایانی این مقاله که اغلب ناظر بر ملاحظات حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و سیاست‌گذاری است؛ می‌تواند از یک سو به تنظیم مقررات اقتصادی خوب و کارامد از طریق نهادهای تنظیم‌کننده مقررات یا مقررات‌گذار و از سوی دیگر به بهبود وضعیت تسهیل رقابت و تنظیم یا منع انحصار در جوامع و به طور خاص افزایش سطح رقابت بین فعالان اقتصادی در بازارهای با ویژگی انحصار طبیعی بینجامد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2024-03-28]

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

اصغرنیا، مرتضی و محمود باقری (۱۳۹۲)؛ «انحصار و رقابت؛ تأملی بر لزوم فعالیت نهادهای تنظیم‌کننده مقررات بخشی (Regulatory)» فصلنامه اندیشه‌های حقوق خصوصی دانشگاه علم و فرهنگ، سال اول، شماره ۱.

اوزبرن، دیوید و گلبر، تد، (۱۳۸۴)، بازآفرینی دولت، ترجمه فضل‌الله امینی، چاپ اول، تهران: انتشارات فرا.

باقری، محمود، (۱۳۸۵)، «اقتصاد مبتنی بر بازار و کاستی‌های حقوق خصوصی»، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق و سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱۹.

بیگ‌زاده، صفر (۱۳۸۷)، شیوه‌نامه نگارش قانون، چاپ سوم، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

دوگی، لئون (۱۳۹۳)؛ دروس حقوق عمومی، ترجمه محمدرضا ویژه، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.

راسخ، محمد (۱۳۸۴)؛ بنیاد نظری اصلاح نظام قانون‌گذاری، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

شهابی، مهدی (۱۳۹۰)؛ «فرایند اجتماعی شدن حقوق و تأثیر آن بر نظام حقوقی»، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۱، شماره ۱.

طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۰)؛ حقوق اداری، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات سمت.

غفاری فارسانی، بهنام (۱۳۹۳)؛ حقوق رقابت و ضمانت اجراهای مدنی آن، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

گرجی ازندریانی، علی‌اکبر (۱۳۹۰)؛ «ده فرمان حقوق عمومی: تأملی درباره اصول و مفاهیم بنیادین حقوق عمومی»، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۱، شماره ۲.

گروه مترجمان زیر نظر باقر انصاری (۱۳۹۲)؛ ارزیابی آثار مقررات گذاری؛ به سوی مقررات گذاری بهتر (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.

هداوند، مهدی (۱۳۸۶)؛ «درآمدی بر مقررات گذاری اقتصادی»، فصلنامه علمی_پژوهشی مجلس و راهبرد، شماره ۵۶.

یادی پور، مهدی (۱۳۸۹)؛ مقدمه‌ای بر حقوق و اقتصاد، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

ب. منابع لاتین

Bronwen, M and Karen, Y. ‘‘An Introduction to Law and Regulation: Text and Materials’’, Cambridge University Press 2007.

Cambridge dictionary, Available at:

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2024-03-28]

http://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/competition law. Accessed February 4, 2017.

Crew, M and Parker, D. "International Hanfbook on Economic Regulation", Edward Elgar Publishing; UK, 2006.

Dunne, N. "Competition Law And Economic Regulation: Making and Managing Markets", 1th ed, Cambridge University Press; UK, 2015. P. 14.

Harris, PH. "An Introduction to Law", 7th ed, Cambridge University Press; UK, 2007.

Nihoul P, Charbit N, Ramundo E. "Choice :A New Standard for Competition Law Analysis?", 1th ed, Institute of Competition Law Publication, 2016.

Whish, R and Bailey, D. "Competition Law", 7th ed, Oxford University Press; USA, 2012.

Zimmer, D. "The Goals of Competition Law", ASCOLA Competition Law series, Edward Elgar Publishing; USA, 2012.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2024-03-28]